



## گالری هدیه ماندگار

طلاي ۲۴ عيار

آدرس: عدالت ۸۵

مرکز تجاری تندیس - طبقه اول

پیرامردیان

نرخ گاز مصرفی هتل ها  
و مراکز اقامتی تغییر نخواهد کرد



۲

بازخوانی نامگذاری  
روز ملی گرگان



۳

راه اندازی تک باجه های  
ارائه خدمات قضایی



۳

# گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

یکشنبه ۵ آذر ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۲۶۸۷ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

### یادداشت اول

## مبارزه با خشونت

### علیه زنان

■ بامسؤولیت سردبیر

چهارم آذر برابر با ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان بود. واقعیت آن است که خشونت بر علیه زنان وابسته به مکتب، آیین و یا حکمرانی تعریف شده ای نبوده و نیست. در همه مذاهب، مکاتب و ملت‌ها به نوعی خشونت بر علیه بانوان وجود داشته و دارد و تنها در چند دهه اخیر است که با رشد و توسعه، بشریت به قبح خشونت بر علیه بانوان توجه جدی نشان داده است، البته گاه این خشونت‌ها لزوماً منفور و مورد نقد بانوان نیز نبوده است، زیرا در بسیاری از فرهنگ‌ها و سنت‌ها خشونت بر علیه بانوان به نوعی فرهنگ پذیرفته، بدل شده است که اصلاح آن خلاف عادت به شمار می رود و مستلزم هزینه هایی است که گاهی حتی خود بانوان نیز چندان به اصلاح آن راضی نیستند، اما آنچه که باید در این مجال به آن توجه کرد شاید آن باشد که توجه به حقوق بانوان و لایه های دیگر اجتماعی، ارتباطی معنادار با توسعه متوازن و رشد اقتصادی اجتماعی و فرهنگی هر جامعه ای دارد. از جامعه ای که مدام گرفتار چالش هایی خود ساخته است، نمی توان انتظار داشت تا به مبارزه بر علیه خشونت بانوان تن دهد، علاوه بر این شوربختانه در کنار تنگناهای اقتصادی و اجتماعی که مانعی در برابر احقاق حقوق بانوان است، باید بگوییم برخی خوانش ها از سنت و دین در تعارض آشکار با حقوق زنان است، امروزه بانوان سهمی برابر با مردان در زندگی اجتماعی و سیاسی می خواهند زیرا در بسیاری از امور اگر خود را شایسته تر از مردان ندانند، ناتوانتر نیز نمی بینند، بنابراین خواهان حق برابر در همه مناصبند. این بانوان لزوماً اغیار نیستند، خواهر، مادر، همسر و بستگان من و شما هستند که امروز برابری را به عنوان یک حق و تکلیف از ساختار حکمرانی مطالبه می کنند و بر بکارگیری شایستگی در انجام امور تاکید می کنند، بنابراین به نظر می رسد دوران ترک تازی مردانه به پایان رسیده است و بانوان تازه نفس و پر انگیزه آماده اند امورات را بهتر از مردان خشن بر عهده بگیرند تا هم جامعه آسایش بیشتری داشته باشد و هم خشونت بر علیه بانوان از فرهنگ زندگی بشری حذف شود.



فعالان اقتصادی چشم انتظار  
گسترش تجارت با همسایگان

« ۱ »



اقدامات دولت سیزدهم  
در حوزه اشتغال بی سابقه است

« ۷ »



سینما

« ۵-۴ »

# بازگشت زندگی به خلیج



می شود. این کارشناسان معتقد بوده و هستند که مشکل اصلی خلیج عقب رفتن آب دریاست و در صورت لایروبی، حتی امکان خشک شدن خلیج گرگان نیز وجود دارد و صرف هزینه ای بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد تومان برای احیای خلیج بی فایده خواهد بود.

ادامه در صفحه ۲

لایروبی چاره کار نیست و خارج کردن لای از کف کانال می تواند اکوسیستم طبیعی و پوشش گیاهی منطقه را از بین برده و از طرف دیگر این حجم از لای ممکن است تبدیل به کانون ریزگرد شود. اما استاندار گلستان در همان زمان پاسخ داده بود که لایروبی تنها اولین دخالت است و در گام های بعدی بقیه امورات مانند انباشت گل و لای هم رتق و فتق

آشوراده است. کانال آشوراده یکی از سه کانال اصلی متصل به دریای خزر است که در حال حاضر درگیر رسوباتی شده که در طی سال ها آسیب های فراوانی به آن وارد کرده است. در این راستا برای ارتباط بهتر بین خلیج گرگان و دریای خزر، لایروبی این کانال در دستور کار مسوولان امر قرار گرفته است. هر چند عده ای در آغاز کار لایروبی در تیرماه سال گذشته معتقد بودند

علیرضا صدرايي\_ خلیج گرگان به همراه تالاب میانکاله در سال ۱۳۵۴ توسط کنوانسیون رامسر به عنوان نخستین تالاب بین المللی جهان ثبت شد، اینک چند سالی است، در معرض خشکی است و طرح های بسیاری برای احیای این مجموعه ارزشمند محیط زیستی پیشنهاد شده است، اما مهم ترین طرحی که به مرحله اجرا در آمده است، لایروبی کانال

## ادامه تیر اول

کشور بوده، شکل گرفت و به استناد بند الف ماده یک همان صورت جلسه، مقرر شد که لایروبی در ناحیه شرقی خلیج گرگان انجام شود. زنگانه همچنین تصریح کرده بود: متأسفانه در آن زمان به دلیل عدم تامین منابع و موارد مطرح شده در حوزه محیط زیستی، پروژه متوقف و پس از سال ها با توجه به پیگیری های متعدد از سوی ستاد تالاب ها مجدداً مطالعه این موضوع در دستور کار قرار گرفت. وی گفته بود: طی قراردادی که با پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی بسته شد، مقرر شد مطالعات جدید صورت گرفته و پس از این مطالعات اقدامات لازم طی یک برنامه پنج ساله در راستای علاج بخشی خلیج گرگان انجام شود. استاندار گلستان تصریح کرده بود: این برنامه چندین مدخل داشته و لایروبی یکی از مدخل های آن است. در همین راستا اما در هفتم خردادماه ۱۴۰۱ هم نشست تیم مطالعاتی پژوهشگاه ملی

استاندار گلستان در پاسخ به این سوال که با وجود خشک شدن خلیج در سال های آینده ضرورت لایروبی و صرف هزینه های گزاف برای نجات خلیج گرگان چیست، گفته بود: موضوع علاج بخشی خلیج گرگان، یک موضوع ملی بوده و از سال ها پیش با تشکیل کارگروه تخصصی بندر و سواحل کشور این موضوع بررسی و به تصویب رسید. وی گفته بود: در این راستا پس از تشکیل کمیته علاج بخشی، به موازات آن کمیته استانی شکل گرفت و در آن جا مقرر شد این موضوع به طور علمی مورد بررسی قرار گیرد. استاندار گلستان تأکید کرده بود: بر اساس این طرح، مطالعاتی که در سال ۱۳۹۷ و تحت نظارت معاونت محیط زیست دریایی و تالاب های وقت سازمان حفاظت محیط زیست



## گلستان آماده عملیات اجرایی طرح های عمرانی



استاندار گلستان گفت: گلستان آماده افتتاح آغاز عملیات اجرایی هزار و ۱۰۰ میلیارد ریال طرح و پروژه عمرانی در دور دوم سفر هیات دولت به استان است. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه در آیین اختتامیه شانزدهمین جشنواره بین المللی فرهنگ و اقتصاد اقوام ایران زمین از اختصاص هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبار در سفر نخست رییس جمهور به گلستان در حوزه زیر ساخت های گردشگری خبر داد و اظهار کرد: انتظار می رود به منظور گسترش و احیا گردشگری در استان در سفر دوم رییس جمهور اقدامات اساسی صورت گیرد. وی افزود: امروز با اقداماتی که توسط دولت سیزدهم در گلستان صورت گرفته است این استان در مسیر رشد، توسعه قرار دارد. استاندار گلستان با اشاره به اینکه تلاش داریم تا با سرمایه گذاری های مناسب درآمد ناخالص استان را ارتقا دهیم، گفت: توجه به صنعت گردشگری یکی از ضروریات توسعه اقتصادی است. وی با اشاره به اینکه سال گذشته این استان در شاخص های صنعت، خدمات، معدن و رشد کشاورزی رشد مثبت داشت، گفت: رشد هر چهار شاخص در استان گلستان مثبت به ثبت رسید. وی یادآور شد: استان گلستان با رشد ۷.۹ درصدی جزو پنج استان برتر کشور است.

کیلومتر مکعب رسید و طی سال های ۲۰۱۶ الی ۲۰۱۹ دبی آب خلیج گرگان به ۲۶۱ کیلومتر مکعب رسید. علیرضا در رابطه با مسئله تغییر اقلیم که اثر مستقیمی بر کیفیت آب دارد، گفت: تغییر اقلیم شامل تغییر رژیم بارش، دما و تبادل آب بر کیفیت آب اثر گذاشته و این مساله موجب شده تا مسوولان احیا این پهنه آبی را در دستور کار خود قرار دهند. مجری مطالعاتی خلیج گرگان همچنین اظهار کرد: در این راستا پروژه هایی با سه اولویت و ۲۴ مدخل تعریف شده که لایروبی کانال ها یکی از مدخل ها است. اما روز چهارشنبه گذشته بالاخره کار لایروبی به پایان رسید و آب به خلیج گرگان رسید، بر اساس آنچه ایرنا منتشر کرده است با توجه به زمان بر بودن رسیدن آب به خلیج، بهره برداری کامل از فاز نخست احیاء خلیج گرگان با حضور رییس جمهور در سفر دور دوم به گلستان انجام خواهد شد.

## نرخ گاز مصرفی هتل ها و مراکز اقامتی تغییر نخواهد کرد

فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در سطح بی بدیلی برگزار شد. ضرغامی افزود: در دیدارهای گذری با مردم، اکثر آنان رضایت کامل از جشنواره داشتند و تنها در مواردی اعتراض به حق در خصوص پارکینگ بیان شد، که تلاش داریم در سال های بعدی کمتر ملموس باشد. وی ادامه داد: جشنواره گرگان الگوی مناسبی برای وحدت و انسجام ملی، در جهت تقویت توانمندی کشور است. ضرغامی یادآور شد: در این وزارتخانه کارهای زیادی داریم که عمده آن در حوزه خدمت به مردم در راستای تولید شادی در جهت جبران عقب ماندگی گذشته است. وی با بیان این جشنواره نمایشی از انسجام ملی است، تأکید کرد: وحدت حلقه گمشده جهان است و ایران در بخش وحدت سرآمد بوده و رویدادی مانند جشنواره می تواند نقش موثری در انسجام ملی داشته باشد.



کرد: بازدید بیش از ۵۰۰ هزار نفر از این جشنواره، موکد همین مساله است. وزیر میراث فرهنگی گفت: جشنواره بین المللی فرهنگ و اقتصاد اقوام ایران زمین در گرگان با توجه به حضور رنگین کمان اقوام، زبان، گویش، لباس، خوراک و سوغات با ارزش های

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: نرخ گاز مصرفی هتل ها، مراکز اقامتی و فعالان صنایع دستی در سال آینده تغییر نخواهد کرد و بر اساس تعرفه گذشته و بدون افزایش قیمت محاسبه می شود. به گزارش روابط عمومی، سیدعزت الله ضرغامی در حاشیه جشنواره فرهنگ و اقتصاد اقوام ایران زمین گرگان، اظهار کرد: بدون شک این اقدام در رونق اقتصاد گردشگری نقش موثری خواهد داشت. وی بیان کرد: امسال دولت برای اولین بار در برنامه پنج ساله توسعه، فصول مستقلی در نظر گرفته که این اقدام هماهنگ دولت و مجلس، با توجه به اقتضای سه حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در بودجه سال های آتی خود را نشان خواهد داد. وی برگزاری جشنواره فرهنگ و اقتصاد اقوام ایران زمین در گرگان را یک موفقیت دانست و خاطر نشان

های مفید کارمندان در ایران به نسبت آمریکا و اروپا بسیار نازل است، تورم بالاست، تولید کم و سودها در بازارهای کالاهای غیر تولیدی بسیار بالاست، صادرات ما همچنان وابسته به نفت خام و مواد خام است، این مواد می تواند زمینه اشتغال و کارآفرینی برای میلیون ها نفر را ایجاد کند. فرار مغزها و نخبگان بدلیل وجود تبعیض و عدم داشتن امید و انگیزه بالاست. کشورهای دیگر این نخبگان را روی سر خود می گذارند، چند درصد نفرت اول المپیادها و کنکورهای سراسری سالیان گذشته مهاجرت کرده اند؟ اینها تنها گوشه ای از مشکلات جاری کشور است، ما راهی نداریم جز اینکه آرامش در بین مردم ایجاد کنیم، یکدلی و مهربانی در آنها بازآفرینی کنیم، زمینه مشارکت حداکثری در انتخابات برای مردم را فراهم کنیم، از تمام ظرفیت های منابع انسانی خود استفاده کنیم، از افراد با دانش و علمی بدون نگاه سیاسی آنها در حوزه های مختلف استفاده کنیم، برجام را احیا کنیم، روابط اقتصادی با دیگر کشورها داشته باشیم، تنش را کاهش دهیم. در مدارس خود نشاط و شادی آفرینی کنیم، بچه هایمان را خلاق بار آوریم نه آنکه آنها را بشکل آموزش یکسری مسائل و مباحث نظری و تئوری تربیت کنیم. ما در آموزش و پرورش به افرادی همچون پروفیسور حسابی، میرزاده ها، ملک الشعراهای بهار، شهریارها، دکتر قریب و... که رویایی است ولی همچنان افراد با دانشی داریم که می توانیم در مدیریت این حوزه از آنها استفاده کنیم.

متخصص بیهوشی

چه کارایی می تواند داشته باشد؟ ما از تمام ظرفیت های موجود منابع انسانی و ثروت های خدادادی توانستیم استفاده کنیم، برنامه ریزی مبتنی بر توسعه پایدار نداشتیم، چرا که دانش و آگاهی لازم پیرامون شرایط وقت را نداشتیم، هرچه منابع آب بود بالا کشیدیم و سفره های آب های زیرزمینی را خشکاندیم. نزدیک به یک میلیون حلقه چاه آب مجاز و غیر مجاز حفر کردیم، حتی همین الان در این شرایط از این راهبرد اشتباه استفاده می کنیم، اصلاح الگوی کشت فقط روی کاغذ مانده است، آمایش سرزمینی واژه ای پر طمطراق بوده است، هیچ بهره وری در آب، برق، گاز، بنزین و گازوئیل نداریم، در الگوی مصرف دوبرابر یک قاره انرژی مصرف می کنیم! صنعت خودروسازی ما چه سودی به حال مردم و کشور داشته است، جز سود برای عده ای خاص. عجیب است که مالکان این صنایع از زبان چند صد هزار میلیاردی سخن می گویند و از طرفی حاضر به توقف این صنعت مونتاژی نیستند. هزاران میلیارد دلار کشور متحمل هزینه های مرگ و میر و معلولیت و جراحت انسان ها شده است، نظام پولی و بانکی ما آسیب زای بوده است، ۱۵ درصد این تورم محصول دولت و ۸۵ درصد بدلیل سیاست های غلط بانک ها بوده است ولی همچنان عزمی در اصلاح ساختارهای نظام پولی و مالی وجود ندارد، دولت در سلامت هزاران میلیارد تومان هزینه می کند اما پیشگیری رها شده و بسیاری از این هزینه ها گویی دیده نمی شود، چارچوب نظام اداری با نظم و انضباط نیست، کارایی کارمندان دولت و میزان خلاقیت آنها به نسبت کشورهای اروپایی بسیار پایین است، ساعت

تورم، بیکاری، رکود، مسکن، بی آبی و فرونشست زمین، کشاورزی سنتی، نبود بهره وری در اکثر حوزه های اقتصادی اجتماعی کشور، کاهش ازدواج، افزایش طلاق، کاهش فرزندآوری و نرخ بسیار پایین میزان تولد، مشکلات فرهنگی، افزایش بزه کاری و جرم و جنایت از سرقت تا کلاهبرداری، افزایش مهاجرت نه تنها نخبگان و تحصیلکردگان بلکه حتی شهروندان عادی جامعه و... گوشه ای از بحران هایی است که کشور با آن دست و پنجه نرم می کند. این مشکلات ناشی از چه عواملی بوده است؟ ناشی از تصمیمات کوتاه مدت مسکن گونه بدون نگاه به آینده و بدون داشتن نگاه علمی و پژوهشی به حوزه های مختلف جاری کشور بوده است. نگاه محصور گرایانه خودی و ناخودی و حذف افراد متخصص و با دانش و نخبه با نگاه عدم داشتن تعهد این افراد به نظام و... از مشکلات جاری کشور است. عربستان با شتاب فراوان در حال پیشرفت است. در گردشگری در اقتصاد با سرعت بالایی در حال حرکت به جلو می باشد، با بهره گیری از منابع انسانی خارجی و نخبه و بنام در حوزه های مورد نظر آنجا که احساس کمبود نیروی انسانی متخصص کرده باشند. ما چه کرده ایم؟ در یک دولتی بیش از ۸۵۰ میلیارد دلار درآمد نفتی وجود داشت، با این سرمایه می توانستیم تمام طرح های ناتمام عمرانی و زیر ساختی در حمل و نقل انرژی، راه و ساختمان، پتروپلاستی آموزشی ورزشی راحل نماییم اما آن همه درآمد چه شد؟ شایسته سالاری فقط در حد شعار بوده است. گماردن افراد کوچک در مناصب حساس و مهم



## مشکلات جاری کشور

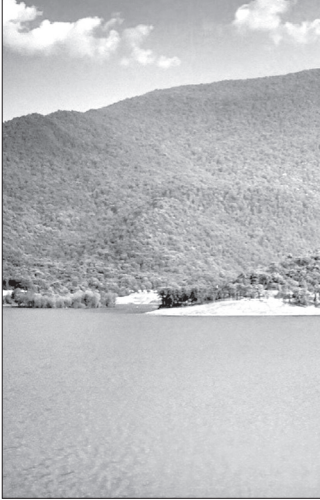


■ دکتر حیدر حسین نژاد





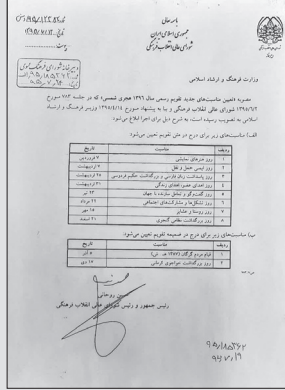
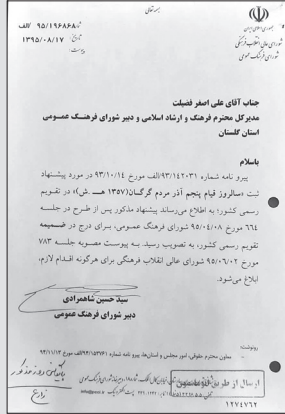
### تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری طرح گردشگری سد کبودال امضا شد



تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری طراحی، ساخت، اجاره، بهره‌برداری و انتقال طرح تفریحی، توریستی و گردشگری سد کبودال (نگارستان) با حضور وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در گرگان امضا شد. به گزارش روابط عمومی، این تفاهم‌نامه در آخرین لحظات حضور ضریحی در محل فرودگاه بین‌المللی شهدای گرگان به امضا طرفین قرارداد رسید. براین اساس، تفاهم‌نامه برگزاری مزایده اجاره اراضی پیرامون دریاچه و پایاب سد کبودال (نگارستان) به منظور سرمایه‌گذاری طراحی، ساخت، اجاره، بهره‌برداری و انتقال طرح تفریحی، توریستی و گردشگری سد که در قالب دستورالعمل طرح گردشگری طرح‌های آبی از سوی شرکت آب منطقه‌ای استان گلستان برگزار شده است، منعقد شد. این تفاهم‌نامه به امضای مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای گلستان و رییس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت عمران و توسعه وارث به عنوان برنده مزایده رسید. بر اساس این تفاهم‌نامه مقرر شد که طرفین تلاش کنند تا همزمان با دور دوم سفر ریاست محترم جمهوری به استان زمینه آغاز عملیات اجرایی طرح در قالب قراردادی که مبادله خواهد شد را فراهم آورند.

سازمانی\* در\*ضمیمه تقویم\* مندرج می‌شود. خواستیم تا با ارائه ی مستندات لازم و کافی و پاسخ نامه های شورای فرهنگ عمومی استان گلستان از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگی عمومی کشور، مراحل قانونی ثبت یک روز خاص در تقویم ملی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را یادآوری کرده و اقدامات انجام شده برای ثبت\*روز ۵ آذر گرگان\* به عنوان\*روز ملی گرگان\* را به اطلاع همگان برسانم تا تمامی شک و شبهه‌های حاصله تمام بشود. امیدوارم که مجریان ذیصلاح حاضر در شورای فرهنگ عمومی استان گلستان دست به کار شده و پس از احصا و انتخاب، پیشنهادی کامل را برای ارائه ی روز خاص دیگری به عنوان روز ملی گرگان به دبیرخانه ی شورای عالی انقلاب فرهنگی ایران تهیه و ارسال نمایند. باشد تا در سایه ی خردورزی و پشتوانه مستندات صحیح تاریخ پیرامون یک واقعه ی مربوط به شهر تاریخی گرگان، به زودی ثبت روزی با شکوه را به عنوان\*روز ملی گرگان\* در تقویم میهن سرافرازمان، به جشن بنشینیم.

به امید آن روز زیبا  
فعال فرهنگی و اجتماعی گرگان



بنا به قانون کمیسیون نامگذاری روزهای خاص،\*مناسبت‌های ملی، اسلامی\* در اصل تقویم\* و\*مناسبت‌های صنفی،

سال‌های اخیر شاهد بحث زیادی در خصوص نامگذاری روز گرگان بوده‌ایم. عدای از ساکنین شهر گرگان، بیستم شهریور ۱۳۲۰ - روز تغییر نام استرآباد به گرگان- را روز ملی گرگان می‌دانند. جمعی دیگر از اهالی گرگان زمین و دارالمومنین سابق، روز ورود حضرت امام حسن عسکری(ع) -به شهر تاریخی جرجان- را روز گرگان می‌دانند و جشن می‌گیرند؛ و عدای دیگر از مردم انقلابی شهر، روز واقعه ی تاریخی ۵ آذر گرگان را به عنوان روز ملی گرگان خطاب می‌کنند. اما واقعیت موضوع چیز دیگری است. هیچ فرد یا ارگانی در سطح استان، جایگاه قانونی برای اعلام روز ملی هیچ مناسبت و روز خاصی را به عنوان روز ملی ندارد. تنها مرجع اعلام کننده نامگذاری روزهای خاص، فقط و فقط شورای عالی انقلاب فرهنگی است که در سال ۱۳۷۱ طی نامه ای\*کمیسیون نامگذاری روزهای خاص\* را به شورای فرهنگ عمومی محول نمود. با مراجعه به سایت شورای انقلاب فرهنگی، به راحتی می‌توان به مدارک ذیل دسترسی پیدا کرد. در مستند تقویم ارسالی شورای عالی فرهنگی کشور در مورخ ۷/۱۲/۱۳۹۵، شاهد هستیم که قیام مردم گرگان در واقعه ی ۵ آذر ۱۳۵۷ به عنوان درج در\*ضمیمه تقویم\* تعیین شده است.

### بازخوانی نامگذاری روز ملی گرگان



حسین ضمیری

## راه اندازی تک باجه های ارائه خدمات قضایی



استان گلستان دفاتر خدمات الکترونیک قضایی فعال است و خدماتی مانند ثبت دادخواست‌های حقوقی و کیفری، دادخواست‌های تجدید نظر خواهی، واخواهی، ثبت نام سامانه ابلاغ الکترونیک، ثبت لوایح و دادخواست‌های در صلاحیت شورای حل اختلاف در این دفاتر انجام می‌شود و مردم نیاز به مراجعه حضوری به دادگستری ندارند و علاوه بر این، امکان پیگیری پرونده برای طرفین پرونده هم بدون مراجعه به دادگستری، در این دفاتر فراهم است. دفاتر خدمات الکترونیک قضایی با هدف برون سپاری بخشی از امور اداری دستگاه قضایی به بخش خصوصی و کاهش شلوغی محاکم چند سالی است در سراسر کشور از جمله گلستان راه اندازی شده و ۳۲ دفتر خدمات الکترونیک قضایی در گلستان فعال است.

تپه و دوزین بخش کوهسارات مینودشت راه اندازی شده بود، گفت: در حال شناسایی سایر مناطق برای استقرار این تک باجه‌ها هستیم و پیش بینی می‌کنیم تا پایان سال در چند نقطه دیگر استان، این باجه‌ها فعال شود. وی گفت: در حال حاضر در همه شهرهای

رییس کل دادگستری گلستان از راه اندازی تک باجه های ارائه خدمات قضایی به صورت الکترونیک در روستاها و شهرهای کمتر از ۲۰ هزار نفر در استان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، حیدر آسیابی از راه اندازی تک باجه‌های خدمات الکترونیک قضایی در استان خبر داد و گفت: این تک باجه‌ها در شهرهای با جمعیت کمتر از ۲۰ هزار نفر و روستاهایی که با مناطق شهری فاصله زیادی دارند و رفت و آمد برای مردم دشوار است، راه اندازی می‌شود. وی افزود: همه خدمات قضایی که اکنون در قالب دفاتر خدمات الکترونیک قضایی به مردم ارائه می‌شود، در این تک باجه‌ها در دسترس روستاییان خواهد بود تا از رفت و آمدهای غیرضروری آنان به شهرها کاسته شود. رییس کل دادگستری گلستان با بیان اینکه تاکنون این تک باجه‌ها در گیلداغ شهرستان مراوه

تعداد زیادی تماشاگر پشت درب های بسته ی سالن گرگان ماندند که بار دیگر با فریاد اعتراض تماشاگران داخل سالن و شعار گرگان سالن ندارد، همراه شد. دو نماینده ی گرگان در مجلس در پایان نیمه ی اول سالن را ترک کردند که امیدواریم شعار هواداران بسکتبال بابت ساخت سالن بزرگتر را شنیده باشند. در دقایق پایانی مسابقه، سه بازیکن گرگانی بنام های یاسین کلاسنگیانی، مبین شیخی و خشایار علی اکبری در زمین حضور داشتند که هواداران را به یاد سال های بیشتر انداخت که بازی ها را با بازیکنان بومی تماشا می کردند و بیشتر لذت می بردند.

سردارو: هادی سالم. داوران: سروش خادم الشریعه و نیماجعفری. ترکیب اولیه ی گرگان: ویلیام جری. نورول پله. نوید رضایی فر. سینا واحدی و ارسلان کاظمی. ۵ نفر شروع کننده آبادان: محمدحسن زاده، امیرطاهر خانی. احسان دلیرزهان، فریداصلائی و امیرصدیقی.

مورد تشویق تماشاچیان قرار گرفت. در این کوارتر نیز تیم نفت پراشتباه ظاهر شد و نتیجه ۵۴-۸۷ و آگادار کرد. در کوارتر چهارم، تیم آبادان به گونه ای ظاهر شد که گویی شکست را پذیرفته و حرفی برای گفتن ندارد و البته روندبازی هم بیانگر این بود که بازی با اختلاف بالا به نفع گرگان رقم خواهد خورد که در پایان کوارتر چهارم شهرداری بانیجه ی ۱۱ بر ۷۳ تیم خوب نفت آبادان را شکست داد و به قول هواداران، شهرداری گرگان نفت آبادان را به آتش کشید. جدال دو تیم برای صدرنشینی باعث حساسیت بیشتر دو تیم شده بود و همین عامل در روز جمعه چهارهزار تماشاگر گرگانی را به سالن محل مسابقه کشاند. کوارتر اول چند سوت از سوی هادی سالم سردارو همدانی این دیدار با اعتراض تماشاگران گرگانی مواجه شد و در ادامه ی دیدار، حماد سامری سرمربی تیم آبادان نیز چندین بار به داوران معترض شد و اعتقاد داشت که سوت ها ناسالم است. فرید اصلانی گارد ریز نقش تیم نفت در حذب خودش ظاهر نشد و حماد سامری در بیشتر دقایق او را نیمکت نشین کرد.

بهنام نیک پیام\_ شهرداری گرگان در هفته ی ششم لیگ برتر بسکتبال ایران در حضور ۴ هزار تماشاگر مشتاق، نفت آبادان را با نتیجه ۱۱۱ بر ۷۳ شکست داد. تیم گرگان از همان شروع کوارتر اول بر سبد تیم مهمان تاخت و هر توپی را که بدست آورد، تبدیل به گل کرد. شوت های سه امتیازی نوید رضایی فر و برش های زیبای سنا واحدی کوارتر اول را ۱۹-۳۹ به سود گرگان ثبت کرد. کوارتر دوم هم با حمایت پرشور هزاران هوادار و هجوم گسترده ی شهرداری گرگان روی سبد نفت آبادان آغاز شد که ویلیام جری، ارسلان کاظمی و نوید رضایی فر نقش پررنگی داشتند. آن سوی میدان تمام نگاه ها به مثلث فریداصلائی، امیر صدیقی و محمد حسن زاده بود که در این بین فقط امیرصدیقی اثرگذار بود و بقیه بویژه فرید اصلانی کم فروغ بودند. کوارتر دوم یا نیمه اول هم ۶۷-۴۲ به نفع گرگانی ها رقم خورد. مصطفی هاشمی در کوارتر سوم مبین شیخی بازیکن ریز نقش گرگانی را به زمین آورد که این بازیکن با بازی خوب خود جواب اعتماد مربی را داد و

# نبودن



## یادداشت دیبر صفحه

"نبودن" سومین فیلم علی مصفا بعد از "سیمای زنی در دور دست" و "پله آخر" است که در پراگ ساخته شده. این فیلم علاوه بر داستان منحصر به فرد خودش به واکاوی شناسنامه‌های افراد کمونیست در خارج از کشور هم می‌پردازد، فیلم بیشتر از آنکه جانب‌دارانه و یا تک‌ذیب‌کننده باشد، تنها یک موقعیت از زندگی آن انسان‌ها را به نمایش می‌گذارد، در کنار این موضوع، استفاده از جلوه‌های بصری شهر عجیب و تا حدودی مخوف پراگ را هم به این فیلم اضافه کنید که از جذابیت‌های جانبی محسوب می‌شود. این فیلم در سال ۱۳۹۹ در دوران کرونا و محدودیت‌های مالی و زمانی خاص خودش ساخته شده. داستان "نبودن" داستان روزنامه‌نگاری به بحران رسیده است که قصد دارد زندگی نامه پدر کمونیستش را بنویسد، او به پراگ آمده تا با مستندات زندگی او در سال‌های پنهان‌نگاری بیشتر و بهتر آشنا شود. در همین حین متوجه می‌شود که در منزل پدرش مردی خودکشی کرده و اکنون در کماست، این مرد گویا برادر اوست.

## پراگ



علی درزی

اگر پاریس، جشنی بی‌کراں برای هنر و هنرمند تلقی شود. یقیناً پراگ مرثیه‌ای خوش آوا بر هنر است، مرثیه‌ای بر سوگ شکست انسان پوچ است، پوچ نه به معنای هیچ یا بی‌معنایی، انسان پوچ به معنای انسان پوچ شده در فعل و انفعال زندگی مدرن و متمدانه‌اش. پراگ شهری مخوف و مستتر در سایه‌های سردیست که تاریخ، خفقان را بر تک تک سنگفرش‌هایش حک کرده. ناتالی ساروت در کتاب عصر بدگمانی می‌گوید: این سخن مکرر شنیده می‌شود که رمان اکنون به دو نوع کاملاً متمایز تقسیم می‌شود: یکی رمان روانشناختی و دیگری رمان موقعیت: از یک سو رمان‌های داستایوفسکی و از سوی دیگر رمان‌های کافکا. به اعتقاد آقای روزه گرانیه، حتی اخبار صفحه حوادث روزنامه‌ها هم، به مصداق سخن باطل نمای اسکار وایلد، از این دو نوع بیرون نیست. ولی رمان‌های نوع داستایوفسکی، هم در زندگی و هم در ادبیات، ظاهراً روی در کمیاب شدن دارد. آقای گرانیه می‌نویسد: «روح روزگار ما به سمت کافکا می‌دمد ... حتی در اتحاد جماهیر شوروی هم دیگر نمی‌بینیم که کسانی از نوع شخصیت‌های رمانی داستایوفسکی در دادگاه جنایی حضور یابند» به گفته

او، امروز سر و کار ما با «انسان پوچ ساکن بی‌روح قرن است که پیامبرش کافکا است.» خاستگاه این پیغمبر کجاست؟ پراگ. نمی‌توان از تاثیر مکان یا لوکیشن بر خلق داستان چشم پوشید، همانطور که قبلاً در مورد نقد فیلم‌های ژانر وحشت عرض کردم که بخش اعظمی از بار وحشت در سینما را مکان به دوش می‌کشد، در زندگی واقعی هم نمی‌توان از تاثیر مکان‌ها بر انسان‌ها غافل شد، بحث من خرافه پرستی یا تقدیس‌گرایی مکان به معنای باورهای مذهبی یا اعتقادی نیست، حرف من زبان مکان و تاثیر آن بر خالق اثر است. کافکا در رمان محاکمه چنان خفقانی را به تصویر می‌کشد که کمتر خواننده‌ای سراغ دارم که راهروهای تنگ دادگاهش را تا آخر عمرش در نهم‌خانه ذهنش به عنوان تصویری مخوف به خاطر نسپرده باشد. و بعد از آن دو نویسنده متاخر این شهر؛ یکی بهومیل هرابال و دیگری میلان کوندرا. هرابال در تنهایی پرهیاهو شخصیتی را به تصویر می‌کشد که در جامعه‌ی کمونیستی و اختناق آور چک (چکسلواکی) مسئول نابودی کتاب‌ها و آثار هنری هنرمندانی است که دولت آن را ممنوع کرده، شخصیت قطره قطره از این اقیانوس رو به نابودی کتاب می‌دزدد و با خودش به خانه‌اش می‌برد و در جایی می‌خواند که هر لحظه احتمال دفن شدن زیر کتابخانه‌ی لرزان بالای سرش را دارد. میلان کوندرا در این شهر داستان دکتری لاقید و بی‌بند و باری را به تصویر می‌کشد که خود را زیر هیچ تعهدی قرار نمی‌دهد تا اینکه مقاله‌ای انتقادی از دولت کمونیستی در روزنامه چاپ می‌کند. مقاله‌ای به این مضمون: اگر ادیب پدرش را کشت و مادرش را به همسری برگزید، طاعونی که به جان مردمانش افتاده را نتیجه گناه خویش می‌داند و برای جبران گناهان کبیره‌اش، چشم‌هایش را کور می‌کند، اما کمونیست‌ها چه؟ آن‌ها نه تنها که چشم خود را کور نمی‌کنند، بلکه وقیحانه چشم مردمان معترضش را از کاسه در می‌آورند. چک و پراگ مدتی بعد به اشغال چک‌های کمونیست درمی‌آید و مسئولین وقت از دکتر می‌خواهند که مقاله خود را تکذیب کند و به تایید دولت وقت بپردازد، این دکتر لاقید آزاده این کار را نمی‌کند و بر سر اصولی درونی که دارد می‌ماند و چه بلاها که این دولت بر سر او و همسرش نمی‌آورد! جالب است نه؟ کافکا، هرابال، کوندرا هر سه معیادگاهشان به پراگ گره خورده است. این شهر به لحاظ قدمت تاریخ سیاسی‌اش با چک و کمونیست‌ها عجین شده است. حال شما در نظر بگیرید که فیلمی را می‌خواهید ببینید که در پراگ ساخته شده، خواه ناخواه چه چیزهایی در ذهنتان تداعی می‌شود؟

بهشت از چپ می‌گذرد. بازولینی در مصاحبه‌ای می‌گوید: من و بسیاری از هم‌نسلانم در دوره‌ای چپ بودیم، اگرچه می‌دانم اشتباه بوده، ولی حداقل می‌توانیم در آن زمان ادعا کنیم که یک چیزی بودیم و آن چیزی که بودیم خیلی بهتر از وقتی است که نمی‌دانستیم! انگار بازولینی می‌خواهد بگوید که بد بودن خیلی بهتر از هیچ بودن است. اما طبق معمول همه چیز در ایران متفاوت است. در تاریخ وقتی نگاهی به جنبش چپ‌ها می‌اندازیم می‌بینیم که نه تنها طلابه‌داران روشنفکری ایران بلکه روشنفکران کل جهان مدهوش تفکر برابری و عدالت آن‌ها شده

بوده. بعد از پایان جنگ جهانی دوم و نجات دنیا توسط شوروی، کمونیست‌ها به حقانیت ناجی بودن خود روز به روز افزودند تا جایی که جهان را به دو قسمت شرق کمونیسم و غرب امپریالیسم تبدیل کردند. (دنیا به مرزی این سو و آن سوی برلین تبدیل شد). ایران هم در این پویش از سیل کلفت‌ها، اور سبز پوش‌ها و چکمه به پایهای مدعی زمانه‌اش عقب نماند و خیلی زود فوج فوج دانشجوی، هنرمند، سیاستمدار و توده مردم بود که به این دین نوین یعنی چپ عالمگیر گرویدند و با پوششی به همان سان، تمام مابه‌ازاهای دیالکتیک مارکس را در کشورها پیدا کردند و در یک خواست همه جانبه از سوی رهبران اپوزیسیون‌ها و ملت همیشه در صحنه، شاه یا همان نماد امپریالیسم زمانه را سرنگون کردند. چپ‌ها و البته بیشتر توده‌ای‌ها در طول تاریخ فرهنگی، سیاسی و مخصوصاً هنری کشورمان همواره قهرمانان زیرپوستی روشنفکران عصر حاضر خودشان بوده‌اند تا جاییکه تاریخ انقضا این قهرمانان در تاریخ خودش فرارسید و شروع به گندیدن کرد. یعنی اینکه قهرمانان دیروز به ملعونان امروز تبدیل شده‌اند، نسل جدید با توجه به فروپاشی شوروی و افشای‌گری‌های مستندوار جنایتشان در کشورهای مستعمره که در رسانه‌ها، کتاب‌ها و فیلم‌ها نشان داده شد، رفته رفته آناتومی ازدهای هزار چهره این تفکر و مردانش را در پیکره‌های متفاوت شناخت. همواره نشستن خاکستر زمان بر هر دستور راهبردی ارجحیت دارد. دیگر لازم نیست که صادق هدایت را به خاطر نظریه‌های سیاسی‌اش یا دین ستیزی‌اش یا خودکشی‌اش سانسور و تخریب کنیم و یا آل احمد را اول تقبیح و بعد از حج رفتنش، تایید کنیم. نسل آگاه بعد از خواندن حاجی آقا می‌فهمد که این یک داستان سفارشی توده‌ای است که به فراخور سیاست زمانه‌اش نوشته شده نه یک جوش هنرمندانه، یا آل احمد بیش از هر چیزی یک مفسر به رای حاکمیت است تا نویسنده، شاید هیچگاه نیاز به واجب شرعی شدن مرگ رشدی نداشتیم، بلکه با همین فاکتور خاکستر زمان به پوچی بسیاری از آثار و انسان‌ها پی می‌بریم. چپ‌ها مثل خیلی از حاکمیت‌های محکوم به شکست امروزی هنوز هم مدعی هستند که کمونیسم واقعی در هیچ کشوری اجرا

نشده و منتظر بهار آن هستند، جالب است که سارتر در مصاحبه‌ای اعلام می‌کند که مسیر بهشت از شرق و از مسکو می‌گذرد. ملاحظه می‌کنید که چپ چگونه عالم گیر شده بوده؟ یقیناً نمی‌توان امروز قلم به دست گرفت که چقدر احمقانه اشتباه کرده‌اند، یقیناً همچنین ادعایی بی‌درایتی نویسنده را می‌رساند، ولی نمی‌شود روی چیزی که در نگرش مردم تغییر یافته پافشاری کنیم، فیلم نبودن به خوبی این دغدغه را در مخاطب به وجود می‌آورد که به قول بازولینی انسان‌هایی در روزگاری چیزی نبودند، بهتر از هیچ چیز بودن است یا خیر؟ روزیه شخصیت اصلی فیلم به پراگ می‌آید تا از گذشته غرورآفرین پدرش که حداقل برای خودش اینطور است، یک زندگی نامه‌ی مستند بنویسد، چرا که مدعی است در آن روزگار، پدرش برای خودش کسی بوده، و آثار هنری و پژوهشی چشمگیری تالیف کرده. در یک سکانس از فیلم در کافه، پدرش توسط پیرمرد پراگی به فحش کشیده می‌شود، دقیقاً بخاطر کمونیست بودنش! نمی‌پرسد که چه کسی بوده یا چه کاری کرده، همین که می‌فهمد کمونیست بوده به فحش می‌بنددش.

تغییر در دنیای چپ

داستان فیلم "نبودن" در مورد روزنامه‌نگاری به نام روزیه است که در زندگی شخصی و زناشویی‌اش به مشکل برخورد و در سفری ادیسه‌وار (بیشتر درونی) به پراگ آمده، تا از نزدیک محل زندگی پنجاه سال قبل پدرش که مامن کمونیست‌های آن زمانه بوده را ببیند. او سعی دارد زندگی نامه پدرش را بر اساس مستندات و در آن واحد منغور افراد متفاوت جامعه‌ی داخل و خارج بوده، اما هر چه که بوده او در حال حاضر قهرمان پسرش است. روزیه به محض ورودش به پراگ متوجه می‌شود در خانه‌ای که پدرش اقامت داشته، شخصی به نام ولادیمیر، موقع غذا دادن به پرندگان از طبقه چهارم به پایین پرت شده، نام پدر ولادیمیر همان اسم مستعار پدر روزیه (در آن زمان پنهان‌دهای سیاسی یک نام مستعار برای زندگی در پراگ انتخاب می‌کردند). است. شروع فیلم مخاطب را به یاد فیلم مستاجر رومن پولانسکی که از زمانی به همین نام اقتباس شده می‌اندازد، خانه‌ای



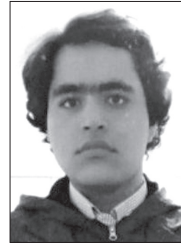
به این می‌رسیم که چقدر از عملکردهای شوروی، مطابق بوده با نظریات مارکس و انگلس مثلا. یا حتی لنین. رویکردی که شوروی به دست می‌گیرد، متفاوت می‌شود با منابع مکتوبی که خودش را منتسب می‌کند به آن‌ها، و بلوک غرب هم از خدا خواسته همین را علم عثمان می‌کند، که بله، مارکس اینست و چپ هم این. و همین می‌شود که انتشارات پنگوئن می‌آید و مانیفست کمونیست را چاپ می‌کند مثلا، اما چطور؟ قبل از متن مارکس و انگلس، مقدمه‌یی نوشته می‌شود از سمت ا.ج.پ. تیلور که چنان نقد می‌کند و نسبت می‌دهد نظریاتی را به مارکس، که کم مانده بگوید همین را بخوان و مانیفست را بگذار زمین و الفرار. بدترین آدم روی زمین که بوده‌ست؟ معلوم است که مارکس. سلام بر ولتر و روسو و میل. اریک فروم در سرشت راستین انسان، می‌گوید که شاید عجیب باشد در عصری که این همه اطلاعات در گردش است، از مکتب و افرادی، این قدر اطلاع کم باشد و حتی سیاستمدارها هم با خواندن چندخط خود را غنی بدانند از دانستن همچون نظریاتی. مهم در ابتدا فهم این مطلب است که مارکس و انگلس، چه نگاهی به انسان و جهان داشتند، و طبق آن شوروی یا چپ‌ها نقد شوند؛ راست‌ها هم. رو هوا که نباید باشند صحبت‌مان. نمی‌شود گفت چون شوروی فلان بود و چون در فلان کشورها سوسیالیسم شکست خورد، پس لیبرالیسم و کاپیتالیسم آخرین پناهگاه ماست. یا خیلی ارفاق کنیم، سوسیال-دموکرات. درحالی که باید طبق همان ماتریالیسم تاریخی (یا به قول فروم: ترکیب اوامنیسم و ناتوالیسم مارکس)، و دیالکتیک، مطالب را سنجید، به روز کرد، و آن وقت صحبت کرد. و تر و خشک را با هم نسوزاند.



برمی‌گردد به زمین، و حالا، با ذهنیتی و قدرتی جدید، به کمک همین مردم می‌آید. کوزیمو هم اگر چه می‌رود رو درخت، اما باز حواسش به مردم هست، و این وضع حتی به حکومت درختستان هم می‌رسد. این که آن فکر و نظریه‌ت را ابتدا مادی کنی، رو درخت بروی، و بکوشی همین آزادی‌یی را که به دست آورده‌یی، برای مردم به ارمغان آوری و آن هم نه به اجبار و اکراه. که چه اهمیتی دارد تبعیت به اجبار، وقتی در آن انسان ندارد اهمیتی و اولویتی؟ قرارست به چه برسیم؟ این قوانین برای کیست؟ بارون در تلاش برای همین امرست. تا کمی، به نوبه‌ی خودش به جوابی برسد.

دو. برخلاف فیلم، که حتی در فلاش‌بک یا فلاش‌فوروارد هم، در زمان حال سپری می‌شود، در داستان منثور وضعیت فرق می‌کند. یکی از تفاوت‌ها اینست که در فیلم، همه چیز آماده‌ست در جلوی چشم شما، و حالا و حالا و حالا که جریان دارد جلوی چشمان شما. حال حال، حال آینده، حال گذشته. اما در داستان، روایت در ذهن مصور می‌شود، نه در عین. دیگر ما با چشمان‌مان به تصاویر نگاه نمی‌کنیم، ما تصاویر را در ذهن‌مان تصور می‌کنیم. روایت با صدای ذهنی ما، با حال ما، و دیگر قضایا مرتبط می‌شود و دیگر مثل فیلم نیست که همین الان داستان پیش برود. بلکه هر لحظه - در ساده‌ترین حالت - می‌تواند در ذهن ما متوقف شود - خصوصا اگر پیرنگ در خطوط عرضی حرکت کند. یا مثال دیگر اینکه داستان می‌تواند با افعال، مقدار فهم عامیانه‌ی داستانی بودنش را متفاوت کند. شما وقتی رمانی می‌خوانی با افعال مضارع، احساس داستان بودن وقایع، از سمت شما، فرق می‌کند با حینی که داستانی می‌خوانید با افعال ماضی. متداول همین افعال ماضی‌ست. و مثال معروفش، یکی بود یکی نبود است. در داستان بار هستی، آن زمان حالی که گفتم غالب روایت را پر کرده است، و آن، در خود و حوالی دهه‌ی ۱۹۶۰ است. در پراگ. در چکسلواکی. و این سال‌های روایت تقریباً متمرکز و ثابت، اصلست، و فرغش می‌شود این که ما گاهی به گذشته می‌رویم، یا گاهی از زمان خالی می‌شویم - به مانند آن فرهنگ کلماتی که گفتم در متن قبل - و مواردی روایت می‌شود - و میزان صحنگی‌شان خیلی کم‌ترست - و داستان پیش می‌رود. حالا یکی از درون‌مایه‌های مهم که در داستان هم موثرست، اتحاد جماهیر شوروی است و حمله‌یی که می‌کند به این کشور. و حتی دویچک را، به خفت و ذلت می‌اندازد و غرور ملتی را بر باد می‌دهند. دو بحث را می‌شود خیلی مختصر پی بگیریم. یکی درباره سوسیالیسم و یکی درباره‌ی کاری که کوندرا در داستان‌ش می‌کند. اول درباره‌ی کوندرا بگویم که او، از یک لحظه، دریا می‌سازد. شبیه شعر عطار می‌شود. که می‌گوید: عشق چیست؟ دریا ز قطره ساختن. کوندرا نیز، با وجود اشخاص کم و حوادث کم، در خلال روایت یک دوره‌ی تاریخی مشخص، حضور واقیعت و مفاهیم و لحظات انسانی. این باعث می‌شود که داستان، پایش را فراتر بگذارد از یک دوره، و همه‌شمول شود. در بررسی رئالیسم داستانی در ایران، چاپ شده در روزنامه‌ی گلشن مهر، این امر را گفتم و نوشتم؛ که نویسنده‌یی مثل مستور، می‌خواهد از انسانیت، واقیعت بسازد. اما کسی مثل داستایوفسکی یا تولستوی، واقیعت، انسانیت می‌سازند. واقیعت را هم صرف محاکات معنی کنید تا کارمان راه بیفتد فعلا. درین جا کوندرا هم همین است. او از زیر شنل داستایوفسکی و تولستوی درمی‌آید و از واقیعت، انسانیت می‌سازد. و به نظرم این یکی از شروط پیشنهادی‌ست که شما هم مخاطب نسل خودت را داشته باشی، هم نسل بعد را. هم زمان حال را بگویی، هم آینده را. مطلب دیگر اینست که در داستان از سوسیالیسم و طبعاً چپ‌های شوروی، و جبه‌ی منفی‌یی روایت می‌شود. مسئله‌ی اصلی چیست؟ اینست که ما وقتی بخواهیم مقایسه کنیم و درین باره مطالعه کنیم،

## شناخت مکتب‌ها به بهانه‌ی بارون درخت نشین و بار هستی زمان در بار هستی



محمد صالح فصیحی

یک. با وجود نقصی که شاید در نوع روایت وجود داشته باشد، درباره‌ی چه گفتن راوی کار ما آسان‌ترست. ممکن است این نقدیادداشت‌ها، به‌خصوص درین زمان، بیش‌تر شبیه نقدهای کسانی-استادانی شود شبیه به شهیدی یا فروزانفر. که گاهی نکته‌یی را می‌گرفتند، بعد با هرمنوتیکی شخصی، آن‌چه را که خود می‌خواستند بسط می‌دادند و یا تاثرات‌شان را بیان می‌کردند. به این نوع نقد تاخته‌اند. اما مهم اینست که رو نظریه‌یی باشد، و خواهان هدفی. لوکاچ، در تاریخ و آگاهی طبقاتی می‌گوید که نظریه وقتی همه‌گیر شد، تبدیل به امر مادی می‌شود. مهم، همین مادی‌شدن است. بر خلاف سیستمی که می‌کوشد به زور و ضرب و امالهی خشم قدرت، امور الهی را مادی کند، در بارون بحث فرق می‌کند. و اصلاً گویا نمی‌داند که مادی‌کردن امر الهی، و تبدیلش به قانون، نفس‌الهی را از تقدس، به امر زمینی می‌کشاند و خودش ضد خودش عمل می‌کند(نگاه کنید به پرسش از امکان امر دینی در جهان معاصر، بیژن عبدالکریمی، نقد فرهنگ). در بارون، ما با خانوادگی رویه‌رویی که از اشراف است. و خودش را به همین دسته-قوانین بورژوازی منتسب می‌کند. و پُرسش از رفتار و کارهای دست‌وپاگیر. که حتماً فلان لباس را بپوش، فلان جور صحبت کن، درین زمان حتماً غذا بخور، با این کس ازواج کن. و همه چیز، خوابیده در رسم و رسوم و سنت. همه چیز خشک، سنت، بد نیست. سنت وقتی بدست که می‌شود غیرمنطقی. که می‌شود نامعقول. که همین قوانین، بر ضد انسان می‌شود و دست و پایش را می‌بندد به هزار جفت و بند، و او را به بند ناسانیت می‌کشد. مارکس می‌گوید که قوانین برای انسان است، نه انسان برای قوانین. این، امری‌ست که کوزیمو می‌کوشد بشکندش. آن‌گاه که زده و دل‌زده می‌شود ازین رفتارهای خانوادگی و فامیلی و اشرافی. ریشه‌ی اشراف چیست؟ شرف و شرافت؟ حالا شرافت به ظاهر و ادا-اصول است و دل‌خوش‌بودن به تخیلاتی که از زندگی واقعی فاصله دارد؟ اگر قرارست انسان و انسانیت در اولویت باشد، پس این دسته از مناسبات، باعث می‌شود که انسان را از انسانیت بیگانه و غریبه کند، و او، توامان زیستن مرده باشد. فرقی هم ندارد که در کاپیتالیسم باشد، یا حکومت اسلامی یا حتی همان حکومت کمونیستی. همین است که کوزیمو می‌کوشد که این بند را پاره کند، از چنگ این قوانین برهد، و از خانه می‌زند بیرون و می‌رود رو درخت. او بارون درخت‌نشین است حالا. پایش را می‌برد از زمینی که قطع می‌کندش. نمی‌گذارد که راه برود، و احساس هوایی بخورد. زمینی که در آن، پنجره و عشق و هوا و آسمان، مال تو نیست. مال دیگری‌ست. پس ابتدا، از شان کناره می‌گیری. حتی اگر تنها باشی و نباشی با مردمان. دانته می‌گوید - و مارکس هم در مقدمه‌ی مجلد اول سرمایه - که دست را به من بده، و کاری به مردمان و حرفشان نداشته باش. به مثل اسفار اریبه - البته مادی شده‌ش - که عارف می‌رود به آسمان ابتدا، تک و تنها، و سپس

عجیب که مستاجرانش را یکی پس از دیگری مجبور به خودکشی می‌کند، اما داستان فیلم "نبودن" متفاوت‌تر از این حرف‌هاست. داستان از لحاظ سفر درونی، سفر به دنیای درون روزبه و بحران هویت اوست و به لحاظ سفر بیرونی واکاوی زندگی یک کمونیست در پراگ است. نکته جالب این سفر دوگانه و یقیناً همزمانش، ادغام و تاثیر هر یک از سفرها بر دیگری است. در واقع می‌توان گفت: به لحاظ اصول داستان نویسی بهتر است که این دو سفر در مورد درون و بیرون شخصیت در نهایت به یک قرابت معنایی منجر شود، اما اتفاقی که اینجا رخ می‌دهد، این است که، نمود بیرونی و شناخت پدر منجر به تغییر درون می‌شود، یعنی روزبه حین شناختن پدر، کم‌کم از روزبه شدن به ولادیمیر شدن سوق پیدا می‌کند. روزبه که آمده پدرش را بشناسد، در حین شناختش، خودش را از روزبه به ولادیمیر تغییر می‌دهد، چون پدر را شخص دیگری می‌یابد. با دانستن عقبه‌ای که از تاریخ پراگ و کمونیسم توضیح دادم، جنبه‌های اطلاعات دهی سمعی و بصری فیلم دو چندان می‌شود. در کارگردانی و نمایش قاب‌ها و تصاویر جاهایی ما را یاد آنجلوپولوس می‌اندازد که در پی کمرنگ شدن گره‌های اول، گره‌های بوجود آمده بسی بغرنج‌تر و درونی‌تر می‌شوند. با این که فیلم به شدت ارجاعات مکانی، نمادی و سیاسی دارد ولی، اصلاً فیلم خسته کننده‌ای نیست و خط داستانی تا حد قابل قبولی پیش می‌رود. روزبه بی آنکه بداند، در پی سفر و شناخت پدر، خودش را مامور شناسایی خودش کرده. او مانند یک ناجی وارد زندگی خودش در خارج از کشورش می‌شود و بیش از هر چیزی خودش را به همراه اسطوره‌هایش در هم می‌شکند. با این تفاسیر چند سکانس از فیلم را در نظر بگیرید: در بیمارستان هنگام امضای روزبه برای رضایت به اینکه اجازه بدهد دستگاه‌ها را از ولادیمیر به کما رفته جدا کنند، متوجه می‌شویم او اثر انگشت ندارد. پدر در تهران چشمش را از دست داده و در پراگ به دجال معروف است. پدر دوستان زوجش را از ارمیلوس خطاب می‌کند. او رکت آرمین بعد از چهل سال به دستمال‌های کتانی با کیفیت تبدیل می‌شود، آرمین با آن ته کفشش را که سنده به آن چسبیده تمیز می‌کند. ولادیمیر دیدار با همسر سابقش را در گرو یافتن الماس می‌داند. الماسی که بعد از اصلاح و تغییر هویت روزبه پیدا می‌شود. مجسمه‌های نیمه‌ای که در یک سکانس نشان داده می‌شود.

نگاه کارآگاهانه و چندین باره به چشمان خودش در فیلمی که پسرش فرستاده! روایت موازی کودکی ولادیمیر یا روزبه در فیلم به صورت فیلم‌های خانگی! بوفی خیالی که اول و آخر داستان می‌بینیم. دیالوگ‌های تمرین زبان چکی که روزبه از زبان ولادیمیر به همسرش می‌گوید!

و بسیاری دیگر. نمی‌توان مشخصاً فیلم را منوط به مضمونی خاص دانست، ولی این دو لبگی کمونیست به زیبایی در فیلم بیان شده، مخصوصاً وقتی که متوجه می‌شویم، پدر روزبه به‌همراه آرمین و لوسی، جاسوسی حزب کمونیست را می‌کردند و در این جاسوسی باعث ممنوع‌الکاری و مطرود شدن خیلی‌ها شدند، از جمله همانی که عاشقش هم شده بوده. فیلم "نبودن" از آن دست از فیلم‌های استخوانداری است که سینمای ما بیش از فیلم‌های ارزشی به آن محتاج است، این فیلم‌ها می‌تواند با رعایت عدم جانب‌داری، تبدیل به یک اثر مستند گونه بر تاریخ تاریک کمونیست در ایران باشد. از عجله در ساخت، کوتاه شدن فیلمنامه، کمبود بودجه و خیلی از فاکتورهای دیگر که باعث گنگ شدن فیلم شده است نمی‌توان گذشت، ولی فیلم بسیار قابل احترامی است.







## فعالان اقتصادی چشم انتظار گسترش تجارت با همسایگان

مشکل پایداری کم و گسترش اندک فعالیت تجاری در دریای خزر، نبود لجستیک بر خط دریایی است

همه ظرفیت‌ها استفاده می‌کند. علیرضا جهانگیری در نشست اخیر با جمعی از فعالان اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان اظهار کرد: برای دستیابی به اهداف نظام اقتصادی و تجاری دریای خزر، توجه به استفاده از ظرفیت این دریا برای گسترش همکاری باید مورد توجه بیشتر قرار بگیرد. وی ادامه داد: جمعیت پنج کشور ساکن حوزه دریای خزر افزون بر ۲۷۰ میلیون نفر است که تامین نیازهای اساسی جمعیت خزنشینان با هدفگذاری برای فعالیتهای اقتصادی از سوی ایران به ویژه تجار و بازرگانان سه استان ساحلی باید مورد توجه بیشتر قرار بگیرد.

**افق بلندمدت برای گسترش مبادلات تجاری خزر**  
جهانگیری با اشاره به این که انجام سفرهای مسوولان و تجار برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی با کشورهای حاشیه خزر راهگشا بوده گفت: داشتن افق بلندمدت توسط بخش خصوصی برای تسخیر بازار کشورهای پیرامونی دریای خزر ضروری بوده و وظیفه دولت نیز تسهیل‌گری برای گسترش سرمایه‌گذاری اقتصادی در بهره‌گیری از این ظرفیت است. دستیار وزیر امور خارجه در امور دریای خزر با اشاره به این که اقتصاد خوب برگرفته از روابط سیاسی خوب است، گفت: باید تلاش بیشتری داشته باشیم تا مسایل و مشکلات تجار برای سرمایه‌گذاری هرچه زودتر برطرف شود. وی بر رفع محدودیت‌ها در توسعه زیرساخت‌های بنادر استان‌های شمالی از جمله گلستان برای تخلیه کالا تاکید کرد و افزود: این هدف باید به صورت جدی از سوی مسوولان دنبال شود. وی از فعالان اقتصادی گلستان خواست پیشنهاد خود را برای برطرف شدن موانع اقتصادی با کشورهای حاشیه دریای خزر به دفتر نمایندگی وزارتخانه امور خارجه مستقر در گرگان ارائه دهند. با این وجود، توجه دولت سیزدهم به تقویت دیپلماسی اقتصادی بین کشورهای حاشیه خزر به حدی است که میانه مهر ماه سال ۱۴۰۱ در دومین نشست مجمع اقتصادی خزر با حضور معان اول رییس جمهور به میزبانی روسیه و با حضور ایران، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان انجام شد، محمد منیر پیشنهاد تشکیل منطقه آزاد مشترک کشورهای ساحلی دریای خزر و ایجاد کریدور سبز ترانزیتی و گمرکی، تدوین دستورالعمل خاص برای توسعه همکاری‌های پولی، بانکی و مالی با کشورهای ساحلی دریای خزر، تشکیل کمیته همکاری حمل‌ونقل، ترانزیت، تعرفه و تجارت و گمرکی به منظور یکسان‌سازی و هماهنگی تعرفه‌های حمل و نقل ریلی، جاده‌ای و دریایی و نیز ایجاد زمینه برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک در کارهای زیربنایی مانند بنادر، کشتیرانی و خطوط راه آهن، تشکیل کمیته همکاری نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی کشورهای حاشیه دریای خزر، تشکیل کمیته توسعه همکاری در زمینه‌های برق، آب و تجهیزات مربوطه میان کشورهای ساحلی دریای خزر، ارتقای همکاری کشورهای حوزه دریای خزر در زمینه امنیت غذایی و تشکیل دبیرخانه ای برای اجلاس اقتصادی خزر را ارائه داد.



موانع تردد تجار اقتصادی با کشورهای همسایه به ویژه کشور ترکمنستان قدرانی کرد. نایب رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان نیز با اشاره به ظرفیت بکر ساحل خزر در این استان و همسایگی و دسترسی به کشورهای حاشیه دریای خزر خواستار ایجاد زیرساخت مورد نیاز برای استفاده از آن

بهرتر در استفاده از تعرفه ترجیحی برای مبادلات تجاری با کشورهای حاشیه دریای خزر، ایجاد سامانه برخط لجستیک دریایی در بنادر دریایی شمالی، اقدام موثر در حوزه روابط بین الملل برای پایین آوردن هزینه ترانزیت کالا با بهره‌گیری از خط ریلی موجود از چین به ایران و کشورهای اروپایی و تخصیص به موقع ارز توسط

**جمعیت پنج کشور ساکن حوزه دریای خزر افزون بر ۲۷۰ میلیون نفر است که تامین نیازهای اساسی جمعیت خزنشینان با هدفگذاری برای فعالیت‌های اقتصادی از سوی ایران به ویژه تجار و بازرگانان سه استان ساحلی باید مورد توجه بیشتر قرار بگیرد**

بانک مرکزی به تجار صادر کننده را از جمله مشکلات تجار برای فعالیت اقتصادی با کشورهای حاشیه خزر برشمرد و خواستار پیگیری در حل آن‌ها شد. رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان نیز با اشاره به این که وجود دیپلماسی سیاسی خوب عامل بهبود دیپلماسی اقتصادی است، گفت: دولت سیزدهم در این زمینه خوب ورود کرده و نمونه بازر آن را می‌توان در تقویت دیپلماسی سیاسی با کشور ترکمنستان ملاحظه کرد که موجب باز شدن راه جدید در توسعه دیپلماسی اقتصادی در منطقه شده است. امیر یوسفی افزود: در سفر اخیر هیاتی از استان گلستان متشکل از مسوولان و فعالان اقتصادی به کشور ترکمنستان، موفقیت دیپلماسی سیاسی دولت سیزدهم به خوبی لمس شد ولی نیاز بیشتر به سرمایه‌گذاری در این زمینه داریم. وی همچنین خواستار همکاری بیش از گذشته سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران در گسترش مبادلات تجاری با فعالان اقتصادی شد و گفت: بخشی از فضای سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران به ویژه حاشیه دریای خزر به معرفی ظرفیتهای تجاری کشور اختصاص داده شود. وی از همکاری دفتر نمایندگی امور خارجه در گرگان نیز برای رفع

سواحل خزر ظرفیت بکری برای گسترش مبادلات تجاری ایران با کشورهای حاشیه این دریا به شمار می‌رود که فعالان اقتصادی گلستان معتقدند به دلیل فراهم آوردن امکانات و زیرساخت‌های مطلوب و همچنین گسترش دیپلماسی اقتصادی دولت سیزدهم با کشورهای آسیای میانه، شتاب بیشتر در گسترش مبادلات تجاری از طریق این دریا ضروری است. به گزارش ایرنا، ایجاد سامانه اطلاعات برخط از موجودی لجستیک بنادر شمالی، استقرار و بهره‌گیری از کشتی رورو و کانتینر بر در بنادر امیرآباد، نوشهر و انزلی، ایجاد زیرساخت راه زمینی اینچمبرون به بندر ترکمن‌باشی ترکمنستان، تقویت زیرساخت جاده ارتباطی با بندر امیرآباد به شهر، راه‌اندازی بندر خواجه نفس گمشان و استقرار گمرک تخصصی در گلستان از جمله زیرساخت‌های استفاده هرچه بهتر از ظرفیت دریای خزر است. در حاشیه دریای خزر پنج کشور جمهوری اسلامی ایران، ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان و روسیه با جمعیت ۲۷۰ میلیون نفر وجود دارد که ۸۰ میلیون نفر آن در ایران سکنی دارند که بازارهای این کشورها، فرصت بسیار مغتنمی برای صادرات از طریق سواحل خزر به شمار می‌رود و باید از توجه ویژه دولت سیزدهم در حوزه تقویت دیپلماسی اقتصادی برای بهره‌گیری از این ظرفیت بکر در گسترش مبادلات تجاری استفاده بهتری صورت گیرد. سفرهای منطقه‌ای رییس جمهور، میزبانی از همتایان در تهران، گفت‌وگوهای تلفنی، ایجاد مراکز تجاری و حمایت از هیات‌های اقتصادی و گسترش سفرهای فعالان اقتصادی کشور از جمله اقدامات دولت سیزدهم در راستای تقویت دیپلماسی اقتصادی است. یک فعال اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان معتقد است: مشکل پایداری کم و گسترش اندک فعالیت تجاری در دریای خزر، نبود لجستیک برخط دریایی است. محمد احمدی افزود: برای آن که تجار از ظرفیت حمل و نقل در دریای خزر به خوبی در حوزه صادرات و واردات با کشورهای ساحلی آن استفاده کنند، پیگیری و حل لجستیک برخط ضروری است چون فراهم کردن شرایط می‌تواند نقش ویژه و اثرگذار در حل دغدغه این قشر برای فعالیت و کاهش هزینه ایفا کند. این فعال اقتصادی گلستان پیشنهاد کرد برای راه‌اندازی لجستیک برخط دریایی در سواحل استان‌های شمالی از تجربه کشورهای همسایه از جمله ترکمنستان بهره گرفته شود. وی همچنین خواستار فعالیت کشتی «رورو» در بنادر امیرآباد و انزلی مازندران در جایجایی کالا با کشورهای حاشیه خزر به ویژه روسیه شد.

**ظرفیت ایجاد بندر ساحلی در گلستان**  
رییس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان گفت: این استان ظرفیت ایجاد و بهره‌برداری بندر ساحلی را برای رونق مبادلات تجاری در حوزه دریایی دارد ولی از وجود آن بی‌نصیب است. سعید صفوی خواستار پیگیری و جذب سرمایه‌گذاری برای ایجاد بندر ساحلی در گلستان در راستای استفاده از ظرفیت بکر ساحل استان شد. وی فراهم کردن شرایط